

هویت قومی آخرین سنگر اصلاح طلبان کرد

مظفر محمدی

جرس بنگاه خبررسانی جنبش سبز اخیرا مصاحبه هایی با جلال جلالی زاده و خالد توکلی نمایندگان پیشین مجلس اسلامی داشته است. صرفنظر از تفاوت‌هایی در جواب و نقطه نظرات این دونفر، هر دو از جنبش خود (جنبش اصلاحات) سرخورده و مایوس شده و تماما به سنگر هویت قومی و مذهبی (سنی گری) خزیده اند. جرس هم در این مصاحبه اهداف خود را تعقیب و منافع جنبش سبز را نمایندگی می کند.

نگاهی به دل نگرانی ها و اهدافی که این دو روشنفکر ناسیونالیست کرد از هویت قومی تعقیب می کنند، خالی از اهمیت نیست.

هویت قومی و مذهبی (کرد و سنی) برای جلالی زاده و همکار سابقش که صلاحیتشان را جمهوری اسلامی برای مجلس ششم تایید کرد، امروز چه خاصیتی دارد، سوالی است که توجه به آن حائز اهمیت است.

سایت جرس به عنوان پرسشگر و کاسه از آش داغ تر و جلالی زاده به عنوان کرد و سنی مظلوم واقع شده در این گفتگو و بده و بستان، مدام در آتش احساسات قومی و مذهبی می‌دند. هر دو معتقدند که مشکل مردم کردستان با رژیم نه رفاه اقتصادی و از ادبهای سیاسی و اجتماعی... بلکه، قومی و مذهبی و مربوط به هویت و زبان و فرهنگ و نژاد است.

چرایی این مساله از زبان جرس به عنوان نماینده منفعت جنبش سبز و جلالی زاده و همپالگی اش بسیار روشن است. برای جنبش سبز مشکل این است که به قول جرس، هویت طلبان و قومیت ها (منظور مردم کردستان)، در اعتراضات جنبش سبز شرکت نکردند و از این سکوت و عدم مشارکت مردم در جنبش سبز از خود ناراضی اند. چیزی که هم جلالی زاده و هم توکلی به عنوان دوری مردم کردستان از جنبش سبز نام برده و از بی اعتمادی مردم کردستان به رهبران جنبش سبز و سوابقشان یاد میکنند.

جرس دفاع از هویت قومی و سنی گری و زبان و نژاد را در واقع برای جبران مافات برگزیده که باید دیگر خیلی دیر شده باشد. معضل جلالی زاده و همکارش ←

بیانیه کمونیستها و آزادیخواهان کردستان

دخالت نظامی ناتو و غرب علیه منافع مردم است

ص ۴

تلاش ارتجاعی جریان‌ات ناسیونالیست که بخواهند مردم کردستان را به نیروی ذخیره طرح‌های جنگی ناتو و کشورهای غربی تبدیل کنند، باید افشا و خنثی کرد. به همین خاطر، ضروریست صف کمونیستها و آزادیخواهان کردستان، بمنظور بر ملا کردن و فاش نمودن این سیاست، آگاهانه تر و متحدانه تر از همیشه به میدان بیاید. باید کاری کرد، جامعه کردستان بار دیگر به کانون گرم تحرک انقلابی علیه جمهوری اسلامی و علیه پیاده کردن طرح‌های ارتجاعی آمریکا و کشورهای غربی و احزاب ناسیونالیست تبدیل شود. ما، در راستای این هدف این بیانیه را امضا میکنیم و همه آزادیخواهان در سراسر جهان را فرامیخوانیم علیه این سیاست ارتجاعی با هم صف متحدی را شکل دهیم...

آیا این رسوایی‌ها را پایانی هست؟

مصطفی یونسی ص ۸

ناسیونالیسم کرد امید و انتظار و سناریوی لیبی

علی مطهری ص ۵

اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست ص ۷

امید ناسیونالیسم کرد به ناتو،

ضدیت با منافع مردم

گزیده ای از اخبار و رویدادهای کارگری و عمومی در کردستان شماره ۱۵

تهیه و تنظیم از اسماعیل ویسی ص ۹

سناریوی لیبی، ناتو و ناسیونالیسم کرد

رحمان حسین زاده ص ۱۰

زنده باد سوسیالیسم

است!! نه این شرافت نزد این آقایان یافت می شود و نه هیچوقت کارگران و مردم زحمتکش کردستان خواستار شرکت در حاکمیت جمهوری اسلامی بوده اند. مردمی که از همان روز اول سرکار آمدن این رژیم به آن "نه" گفتند.

جلالی زاده که نگران عدم شرکت مردم در انتخابات است، جمهوری اسلامی را تهدید می کند که اگر ایشان و همپالنگی های سنی و کردشان را در مشارکت دولتی و مجلس و غیره دخالت ندهند، همدلی مردم را نخواهند داشت؟ و نمونه سوریه و کردستان عراق را به رخ جمهوری اسلامی می کشد! او همچون دیگر قوم پرستان و فدرالیست ها، دولت را از شورشهای قومی، فدرالیسم و حتی پیوستن به کمپ امریکا و اسراییل، می ترساند. او جمهوری اسلامی را سرزنش می کند و می گوید، وقتی که ما، دیگران را به خاطر عقاید و هویت های متفاوتشان محدود و منع می کنیم چه انتظاری داریم که آن ها حامی و همراه ما باشند؟

اما جلالی زاده و همکارانش علیرغم تهدیدها (که معلوم می شود توخالی هستند)، برای رژیمشان راهکار هم دارند و آن این است که، شرط های خاتمی برای شرکت اصلاح طلبان در انتخابات را بپذیرد تا یک مجلس ملی قدرتمند تشکیل شود! به این ترتیب با حضور اصلاح طلبان کرد در یک مجلس ملی قدرتمند جمهوری اسلامی، همه هویت های قومی و مذهبی و زبان و فرهنگ و نژاد پوچ و بی خاصیت شده و دیگر این آقایان هوس و آرزوی لباس کردی و زبان کردی را کنار نهاده و عطایش را به لقایش می بخشند.

بنا بر این تمام این اسمان ریسمان کردن و تهدیدها به همین خاطر است که ناسیونالیستهای اصلاح طلب کرد، به مجلس راه یابند و به نام "مردم کردستان" در حاکمیت شریک شوند. از نظر این ها اگر اصلاح طلبان در مجلس شریک شوند و همبستگی و همراهی انجام بشود، هم جمهوری اسلامی

ارگان سرکوب که یک ستون حفظ حاکمیت جمهوری اسلامی است، نبودند؟ جلالی زاده ها باید پاسخ این سوالات را به کارگران و زحمتکشان کردستان و زنان و مردان و پدران و مادرانی که فرزندانشان دسته دسته اعدام شدند، بدهند.

هویت کردی برای جلالی زاده اگر چه دیر شده و شاید دردی از ایشان را درمان نکند اما آخرین سنگر این ناسیونالیست کرد اصلاح طلب است. او در این سنگر به جمهوری اسلامی هشدار می دهد که اعتراضات مردم کردستان آتش زیر خاکستر است. ایشان نگران عدم مشارکت مردم در انتخابات است. و فکر می کند که اگر جمهوری اسلامی به او و اصلاح طلبان اجازه شرکت در انتخابات را بدهد خطر برطرف می شود.

جلالی زاده حرف وزیر را رسوبات مذهبی ضد بشری می نامد. اما بهانه خود که چرا "سنی ها" را در مدیریت جامعه راه نمی دهند را رسوبات مذهبی ضد بشری خود نمی داند. از جلالی زاده ها می پرسیم که آیا واقعا مشکل تفاوت قایل شدن جمهوری اسلامی بین بورژوازی سنی و شیعه است؟ مگر سرمایه داران کرد و سنی در استثمار کارگر کرد دست کمی از سرمایه داران فارس و یاروسای سپاه پاسداران و یا اطاق بازرگانی دارند؟ مگر بورژوازی کرد از تاجر و کارخانه دار و ملک دار و بانکدارش در تجارت از ترکیه و عراق تادوبی و مالزی و چین با جمهوری اسلامی مشکلی دارند؟ مگر امثال شما جلالی زاده ها و توکلی ها و ادب ها و غیره در مجلس قانونگزاری جمهوری اسلامی تشریف نداشتید!! مگر فراکسیون کردهای مجلس اسلامی ندارید!!! بین رسوبات سنی گری ضد بشری شما با رسوبات شیعی گری ضدبشری معاون وزیر چه تفاوتی هست؟

این مرتجعین باز دیگر هویت جلالی زاده و همکارانش با کدام شرافت انسانی می توانند ثابت کنند که شرکت آنها در حاکمیت جمهوری اسلامی به معنای شرکت مردم در حاکمیت بوده

هم این است که نگذاشتند بار دیگر به مجلس اسلامی راه پیدا کنند و از اینکه درب مجلس اسلامی را به روی این خادمان جمهوری اسلامی و دستبوس رهبر بستند، و حتی به استانداری کردستان یا فرمانداری جایی هم منصوبشان نکردند ... احساس حقارت می کنند و تلاش می کنند این احساس تحقیر از "بی هویتی قومی" خود را به مردم کردستان تعمیم دهند. جلالی زاده برای مردم کرد و بلوچ اشک تمساح می ریزد که چرا یک استاندار کرد و رییس صدا و سیما یا یک رییس دانشگاه کرد و اهل تسنن نداشته اند.

نیازی به توضیح نیست که منظور جلالی زاده از استاندار یا رییس صدا و سیما، از فعالین و نمایندگان کارگران نساجی کردستان یا صدها کارگر اخراجی شاهو، تراکتورسازی و سیمان و یا پتروشیمی مهاباد و ده ها هزار کارگر فصلی و ساختمانی و صدها هزار کارگر بیکار، نیست. این استاندار نمی تواند کسی جز یک حزب الهی کرد و سنی حافظ منافع جمهوری اسلامی باشد. همچنانکه دوران نمایندگی خود همین آقایان اصلاح طلب "کرد و سنی" هم جز این نبود.

از این آقایان می پرسیم که آیا معتقدند که مجلس اسلامی محل نمایندگان واقعی کارگران و مردم زحمتکش است؟ آیا واقعا و شرافتمندانه خود آنها و دیگر نمایندگان مجلس اسلامی، قبل از اینکه از صندوقهای رای در بیابند منتصب مراجع تصمیم گیری جمهوری اسلامی نبودند؟ آیا حضور چهار ساله ایشان در مجلس اسلامی برای ولو یک کارگر و زحمتکش و زن اسیر آپارتاید جنبسی و خیل بیکاران و زحمتکشان کردستان مثر ثمری بود؟ خود می خواستند و یا حتی اگر بفرض محال می خواستند، می توانستند در چهارچوب جمهوری اسلامی و قانون اساسی و قانون کار و قوانین مدنی و شرعی ضد انسان و ضد زن به کسی خیری برسانند جز شر! آیا آنها مهره ای در یک

جلالی زاده و همکارانش با کدام شرافت انسانی می توانند ثابت کنند که شرکت آنها در حاکمیت جمهوری اسلامی به معنای شرکت مردم در حاکمیت بوده

جلالی زاده و همکارانش با کدام شرافت انسانی می توانند ثابت کنند که شرکت آنها در حاکمیت جمهوری اسلامی به معنای شرکت مردم در حاکمیت بوده



گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید! به گارد آزادی به پیوندید!

گارد آزادی نیروی متشکل و مسلح شما برای دفاع از خود در مقابل همه نیروهای ارتجاعی است. گارد آزادی، نیروی دفاع از انسانیت، آزادی انسان ها، برابری انسان ها، دفاع از حق برابر زن و مرد، حق کودک، آزادی کامل و بی قید و شرط بیان، تشکل و اجتماع، نیروی دفاع از دستاوردهای فکری و فرهنگی بشریت در مقابل فرهنگ

ارتجاعی و عقب مانده و نیروی دفاع از حق شاد بودن و مرفه زیستن انسان ها است. گارد آزادی نیروی دفاع در مقابل هر کس و جریاتی است که بخواهد بزور خود را به زندگی مردم تحمیل کند.

زنان و مردان آزادیخواه! جوانان انقلابی!

هر کجا هستید، در محله و در شهر و روستا گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید و از هر طریق که می توانید خود را مسلح کنید و با ما تماس بگیرید. تلاش کنید در محل تان آزادی اندیشه و بیان رفتار و فرهنگ انسانی و پیشرو، بخصوص علیه فشار و ستم بر زنان، تعرض به حقوق کودکان و تبلیغات قوم پرستانه، حاکم باشد. فضای محل تان را بر فعالیت عوامل جمهوری اسلامی تنگ کنید. امکان فعالیت کمونیستی و آزادی خواهانه را در محل گسترش دهید.

هویت قومی...

بندی از قانون اساسی که حقوق قومیت ها است پایمال شده. اما باشیم. قدرت و ثروت در سطح کشور مرتجعین به جای اینکه نگران "هویت قومی" کردها باشند، باید مردم مرتجعین کرد و سنی، می توانند از نظر طبقه کارگر و همه مردم ایران صرفنظر از ملیت و زبان به آینده تقسیم قدرت و ثروت در جمهوری اسلامی امیدوار باشند! اسلامی باشند. غرولند کنونی اما کارگران و مردم هشیار اشتباه نمی کنند که این تقسیم قدرت و ثروت شامل طبقه میلیونی کارگر و اکثریت مردم زحمتکش جامعه نمی شود. قرار است سرمایه داران و تجار و کارفرماها و مدیران و روسای مملکت و طبقات دارا همه با هم در قدرت و ثروت شریک شوند و روشن فکران بورژوا و تحلیلگران و استادان دانشگاه و روشنفکران ناسیونالیست هم از این خوان یغما سهمی ببرند و کرسی ای در مجلس کسب کنند. نهایتا هم جرس و جنبش راه سبز و هم جلالی زاده و اصلاح طلبان کرد همگی بر سر رای مردم کردستان برای اصلاح طلبان از همین حالا تا انتخابات سرمایه گذاری می کنند. اما

مملکت هم آباد می شود و توسعه از نظر طبقه کارگر و همه مردم به انجام می رسد و هم تهدید همسرنوشتی ایران و سوریه پوچ و مذهب و غیره همه حقوق اقتصادی و سیاسی و آزادی های فردی و اجتماعی پایمال شده و فقر و فلاکت و استثمار وحشیانه و آپارتاید جنسی و فشار فرهنگی و اخلاقی مذهبی و سرکوب وحشیانه کارگران و هر صدای آزادیخواهانه ای تحمیل گشته است. مصادره مبارزات اجتماعی آزادیخواهانه و برابری طلبانه و آن را قومی، سنی گری، زبان و فرهنگ و نژاد و غیره نامیدن یک شیادی سیاسی است و بس. این ترفند و تلاش مذبحخانه حتی شایسته افشاگری نیست. شایسته جلالی زاده به بازی گرفته نشدن و شریک نکردن در مراجع قدرت در جمهوری اسلامی است. از نظر جلالی زاده و همکارانش

بیانیه کمونیستها و آزادیخواهان کردستان دخالت نظامی ناتو و غرب علیه منافع مردم است

کارگران!
مردم آزادیخواه کردستان!

بعد از دخالت نظامی ناتو در لیبی، قدرتهای بزرگ غربی و سوسه شده اند، در بعضی کشورها و کانونهای بحرانی دیگر این تجربه را تکرار کنند. بر خلاف تبلیغات رسانه های پرو غربی و ارتجاعی، جنگ و دخالت نظامی ناتو در لیبی، تحرک انقلابی و اراده به میدان آمده مردم را برای آزادی و رفاه و سعادت را به بیراهه برد. ارتجاع دیگری را به قدرت رساند و شواهد نشان میدهد، جامعه لیبی به مسیر بی ثباتی و جنگ داخلی و ناامنی سوق پیدا کرده است. همانطور که قبلا نمونه های آن را در عراق و افغانستان شاهد بودیم. اینست ارمان طرحهای جنگی قدرتهای امپریالیستی که تحت نام حمایت از "حقوق بشر و ضدیت با دیکتاتوری" آن را توجیه میکنند. به دنبال این واقعه بار دیگر بخشی از احزاب بورژوازی و ارتجاعی در ایران، از جمله احزاب ناسیونالیست کرد از هم اکنون فعالانه در صدد استقبال از این سناریوی ضد مردمی هستند. تا کنون حزب دمکرات کردستان (خالد عزیز) صریحتر از بقیه و به عنوان نماینده خود گمارده "گردهای چهار پارچه" حرف دل همه ناسیونالیست های کرد را بر زبان آورده و از شورای امنیت سازمان ملل میخواهد مشابه لیبی و بر اساس اصل "مسئولیت حمایت" به "یاری" مردم کرد بشتابند. حزب دمکرات کردستان ایران و دبیر کل آن مصطفی هجری، مجدداً به دیالوگ و دیدار ماموران دسته چندم سنای آمریکا و بعضی کشورهای اروپا روی آورده است. پژاک هم اعلام آمادگی کرده نه تنها در کردستان ایران بلکه در هر چهار پارچه سربازجانباز "آزاد سازی کردستان" طبعاً زیر حمایت ناتو خواهد بود.

طرحهای جنگی ناتو و کشورهای غربی تبدیل کنند، باید افشا و خنثی کرد. به همین خاطر، ضروریست صف کمونیستها و آزادیخواهان کردستان، بمنظور بر ملا کردن و فاش نمودن این سیاست، آگاهانه تر و متحدانه تر از همیشه به میدان بیایند. باید کاری کرد، جامعه کردستان بار دیگر به کانون گرم تحرک انقلابی علیه جمهوری اسلامی و علیه پیاده کردن طرحهای ارتجاعی آمریکا و کشورهای غربی و احزاب ناسیونالیست تبدیل شود. ما، در راستای این هدف این بیانیه را امضا میکنیم و همه آزادیخواهان در سراسر جهان را فرامیخوانیم علیه این سیاست ارتجاعی با هم صف متحدی را شکل دهیم.

امضاها:

1- آزاد زمانی 2- آذر مدرسی 3- آرزو محمدی 4- آرام خوانچه 5- امین احمدی 6- آلان خضری 7- آفاق وکیلی 8- آرش حسینی 9- آتوسا قدسی 10- افسانه زیجی 11- اسماعیل ویسی 12- افسانه رها 13- ابراهیم باتمانی "شیروانه" 14- اسد گلچینی 15- ابوبکر شریف زاده 16- الناز معین 17- ادیب صادقی 18- ابراهیم خانی 19- اسعد حاجی حسنی 20- ابراهیم محمدی 21- اکبر صفری 22- اسماعیل محمدی 23- بابک اشرفی 24- بانو نوری 25- بهمن تقی پوریان 26- بهرام مدرسی 27- بهمن یوسفی شیرازی 28- بابک باجلانی 29- بیژن حاجی حسنی 30- پری زارع 31- توفیق پیر خضری 32- توفیق محمدی 33- ثریا محمدی 34- ثریا احمدی نیا 35- جمال پیر خضری 36- جلیل رضائی 37- جبار کردی 38- جمیل خوانچه زار 39- جلال محمود زاده 40- جبار پیرکه 41- جمال رحیمیان 42- چیمین دارابی 43- چیا محمدی 44- حصیبه چوبانی 45- حسین مرادبیگی "حمه سور" 46- حسین احمدی نیا 47- حبیب ابراهیمی 48- حسین مرادی 49- حبیب عبداللهی 50- حامد کیانی 51- حسام منتظری 52- خدر حسین زاده 53- خالد حاجی محمدی 54- دببا

علیخانی 55- رحمت فاتحی 56- رضا دانش 57- رضا کمانگر 58- رحمان حسین زاده 59- رسول بناوند 60- رئوف افسائی 61- روناک خضری - 62- رحمت مفاخری 63- ربیوار رسولی 64- روناک نصیری 65- زردشت زمانی 66- زانیار خضری 67- سهند حسینی 70- سیفه صادقی 71- سیوان خدری 72- سلام رسولی 73- سمیه محمودی 74- سارا احمدی (ز) 75- سیوان رضائی 76- سالار محمودی 77- سهیلا ترکی 78- سلام زیجی 79- سالار کرداری 80- سیف خدایاری 81- سعید قادری 82- سردار قادری 83- سعیده ناروخ 84- ساکار احمدی 85- سوسن هجرت 86- سهند حسین زاده 87- سحر زرین 89- سمیرا سپهری 90- سارا احمدی 91- سلیمان قاسمیانی 92- سعید کشاورز 93- سیامک شعاعی - 94- سامان سید زاده 95- سحر کتابی 96- سعید سفیدی 97- سیف الین حیدری 98- سید زاده "خانم صفری" 99- شرمین فاطمی 100- شایسته خضری 101- شیلان فاطمی 102- شلیر خضری 103- شیرین ارجمند 104- شاهو نعمتی 105- شبو خضری 106- صلاح ایراندوست 107- صالح سرداری 108- صالح منصوری 109- عزت دارابی 110- عارف آریا 111- علی عبدالی 112- علی شریف زاده 113- عبید گویلی 114- عبدالله دارابی 115- علی مطهری 116- علی امجدی 117- عطا گل محمدی 118- عبدالله فدائی 119- علی قادری 120- عابد سامی 121- علی شریفی 122- علی چوری 123- عباس زردارا 124- عطیفه فاتحی 125- علیرضا احمدی - علی خانی 126- علی بهمنی 127- عزرا آدمی "آباجی" 128- علی محمودی 129- غفور زرین- 130- فریده آقاجانی 131- فرزاد نازاری 132- فاطمه محمدی 133- فواد آقاییگ زاده 134- فوزیه نصرت پور 135- فاتح شیخ 136- فواد عبداللهی 137- فریده رضائی 138- فایق آویهننگ 139- فواد حیدری

ناسیونالیسم کرد امید و انتظار و سناریوی لیبی

ارتجاعی احزاب ناسیونالیست طی دو دهه گذشته است، که امروز نیز دخالت نظامی ناتو در لیبی و سقوط قذافی بار دیگر قند در دل این احزاب بی مایه آب کرده و به سرمایه گذاری مجدد بر سر تکرار چنین سناریوی در ایران اقدام کرده اند و به هموار کردن راه در راستای این سیاست همت گماشته اند.

دخالت نظامی ناتو در لیبی و پیروزی زود فرجام این کیس در مقایسه با حمله آمریکا به عراق و سپس تهدید ایران توسط سارکوزی و تونی بلر، بار دیگر اشتیاق ناسیونالیسم کرد به وقوع روئیایش (که تحقق آن در جامعه ایران بعید بنظر میرسد) توسط ناتو و سرنگونی رژیم اسلامی ایران از این طریق را به نمایش میگذارد و عدم مسئولیت این نیروهای ارتجاعی را در مقابل جان و زندگی مردم و سناریوی سیاهی که ممکن است با دخالت نظامی در ایران حادث شود و به از هم پاشی

شیرازه جامعه و کشته شدن هزاران نفر از شهروندان آن منجر شود، ثابت میکند. فاجعه خونینی که به استیصال مردم و تقویت دولت اسلامی منجر خواهد شد و جریانات قومی دخیل در این ماجرا خود نیز رسواتر از سابق از آن بیرون می آیند. در ثانی منافع حقیری که تا کنون این بی خردان، برای دست یافتن به آن، به دفاع و دنبال روی از هر سیاست ارتجاعی و جنایتکارانه ای کشانده است، مانع از آن است که دریابند دخالت نظامی در ایران به سادگی لیبی نیست، و توصل به چنین اقدامی هزینه غیر قابل جبرانی برای ناتو در بر خواهد داشت. گذشته از این موقعیت و شرایط جهانی و منطقه خاورمیانه دخالت نظامی در ایران را فعلا از دستور آمریکا و غرب خارج کرده و آنها را بیشتر به تکرار سناریوی نظیر مصر در ایران امیدوار کرده است. کیس لیبی استثنای بر قاعده بود که گذشته از منافع ویژه انگلیس و فرانسه در این کشور، میبایست حرکت رادیکال کارگران و مردم مصر و تونس

از این طریق راه ورود به دروازه قدرت را برای خود مهیا نمایند. عروج ناسیونالیسم در کردستان عراق بر بستر جنگ خلیج و کشتار ویی خانمان شدن ده ها هزار از مردم مناطق عرب نشین و سپس تشکیل دولت محلی در کردستان عراق، عرصه جدیدی بود که دلگرمی و امید نوینی به سایر احزاب ناسیونالیست در بخش های دیگر کردستان منتقل کرد و از آن تاریخ احزاب ناسیونالیست سرنوشت مردم کردستان را به دخالت نظامی آمریکا و غرب گره زدند، و برگ ننگینی بر تاریخ خود افزودند. بدون اینکه این خوش رقصی برای قدرتهای جهانی و عواقب وخیم آن برای مردم (در صورت وقوع چنین سناریوی) حتی خم به ابرو این احزاب بیاندازد.

بر بستر شرایط جدید احزاب ناسیونالیست کرد ایران، فراز و نشیب های زیادی را طی کرده اند و در طول زمان مراحل متفاوتی را از سر گذارنده اند، ولی هرگز به روئیای عراقیزه شدن جامعه ایران توسط قدرت های جهانی دست رسی پیدا نکردند. و باز دست از پا درازتر در صف انتظار نشستند و در خماری و بی آفتی، به امید اتفاقی که مجددا امید خود را به آن ببندند، روزگار سپری کردند. در این فاصله تا امروز بارها افق خود را به دخالت نظامی آمریکا گره زده اند و پیروزی و شکست آمریکا را پیروزی و شکست خود محسوب کرده اند. پیشروی آمریکا بر بستر کشتار مردم عراق را جشن گرفتند و شکست و عقب نشینی آن خواب از چشمانشان ربود و ماتم و عزا برایشان به ارمغان آورد. بعد از آن و در طول زمان، با هر تهدید جنگی ایران توسط آمریکا و ناتو روحیه گرفتند، به وجد آمدند و خود را برای پیش فراولی آماده نمودند و بلافاصله حمایت از آن را اعلام کردند و... این داستان تکراری گوشه ای از شرح حال

علی مطهری
سنت ناسیونالیسم کرد در مبارزه با دولتهای مرکزی در دوره های انقلابی اساسا به نیروی نظامی متکی است. در این دوره ها توازن قوای منتج از شرایط و فضای انقلابی امکان آزادی فعالیت سیاسی را برای جامعه ایران بوجود میآورد و معمولا بر متن چنین شرایطی مبارزه مسلحانه در کردستان به جریان می افتد و تا زمانی که این شکل از مبارزه تحت سرکوب حکومت مرکزی از دستور خارج نشده است، کار نظامی به مکمل فعالیت سیاسی از بالا تبدیل میشود و سیکل "مذاکره - جنگ" در چنین شرایطی جزء لاینفک سنت ملی مبارزه مسلحانه در کردستان را تشکیل میدهد. این مکانیسم پاسخگوی مسایل مهم و شرط لازم ادامه مبارزه مسلحانه در سنت ناسیونالیسم کرد است. سنتی که ناسیونالیسم کرد در این دوره ها افق خود را از طریق آن به جامعه منتقل میکند و نیروی نظامی را توسط این پروسه، امیدوار نگاه میدارد و به باز تولید و سازماندهی آن اقدام مینماید. در این دوره ها مردم و مبارزات آنها در اشکال توده ای اساسا پشت جبهه و در خدمت به ادامه این سیکل عمل میکنند. با پایان دوره انقلابی و محدود شدن فعالیت سیاسی، سیکل "جنگ - مذاکره" نیز بسته میشود و تقریبا خاتمه پیدا میکند. امید و افق ناسیونالیسم کرد در این زمینه کور میشود و پروسه زندگی و انتظار در شکاف حکومتی منطقه تا کشایش بعدی و از سر گیری مجدد مبارزه مسلحانه شروع میشود. اما تحولات جهانی بعد از فروپاشی بلوک شرق به معادلات سابق، فاکتورهای جدیدی را در به قدرت رساندن و امیدوار کردن ناسیونالیسم اضافه کرد و میدان جدیدی را برای بازی با زندگی انسان را برای این طیف نالایق باز کرد تا

140- قدرت ریحی 141- قادر محمود پور 142- کیوان زنگی 143- کامیار احمدی 147- کاوه خضری 148- کمال رضائی 149- کیوان خالدی 150- کریم حسینی(ز) 151- کیوان کتابی 152- کاروان درسید 153- گلپاخ سلیمی 154- گلاویژ حاجی میرزائی 155- مصطفی یونسی- 156- مریم مصطفی سلطانی 157- محسن حسینی 158- محمد خضری 159- محمد نوری فنلاند- 160- ملکه عزتی 161- لانه احمد 162- لاوژه جواد 163- نظیره معماری 164- نسرین امیری" خدادوست " 165- ناصر علی پناه 166- نسرین آذر محمودی 167- ناصر مرادی 168- نسرین بابا سلجی 169- محمد راستی 170- محمد جعفری 171- محسن حسینی 172- مریم حسینی 173- مصطفی رشیدی 174- مونا گل نراقی 175- محسن بختیاری 176- مصلح ریپوار 177- محمود محمود زاده 178- محمد قادری 179- محمد حمیدی - 180 محمد فیروزی 181- مریم مطیعی 182- میم شکیب 183- محمود ناصری 184- مختار محمدی 185- مهین دارابی 186- مهدی مرادی 187- محبوبه صابری 188- نهیبه الزامی 189- نرگس بختیاری 190- نسرین رخزاد 191- ناهید فاتحی 192- نورالدین الهامی 193- وریا نقشبندی 194- ولی چوپانی 195- همایون گدازگر 196- هلاله طاهری 197- هادی زندی 198- یحیی محمدی

ادامه دارد

توضیحات:

- رفقا و دوستانی که مایلند " بیانیته را امضاء کنند. جهت تسهیل و تسریع در پیشبرد کار و درج اسامی شان در بیانیته میتوانند به آدرس های زیر ما را در جریان قرار دهند.

با سپاس فراوان!

esmail.waisi@gmail.com

کمیته کردستان- حکمتیست

rawabet.omumi.k@gmail.com

ادامه اخبار و رویدادهای کارگری از ص ۹

از کارشان اخراج کند. در این جا از بیمه و عیدی و سنوات نیز خبری نیست. کارفرما نیز مداوما بالای سر آنها کشیک می‌دهد و آن‌ها را کنترل می‌کند و آنان را از این نقطه‌ی شهر به نقطه‌ی دیگر منتقل می‌کند و آنان محل کار ثابتی ندارند. ...

این مشکلات که به آن‌ها اشاره شد، تنها گوشه‌ی کوچکی از بی‌حقوقی‌هایی است که به این کارگران تحمیل می‌شود و این کارگران نیز بارها به وضعیت خود معترض بوده و در اعتراض به شرایط سخت کارشان به اداره‌ی کار شهرستان کامیاران مراجعه کرده و در مورد ساعت طولانی کار و میزان دست‌مزد کم خود برای آن‌ها توضیح داده و نسبت به این وضعیت اعتراض کرده‌اند. و ...

برگرفته از سایت: "کمیته همبستگی برای کمک..."

ممانعت از فعالیت یک انجمن حمایت از معتادان در سنندج

- بر پایه گزارش رسیده از سنندج ادارات شهرداری و بهزیستی با هماهنگی نهادهای اطلاعاتی و امنیتی رژیم در سنندج با ایجاد فشار و مزاحمت‌های مختلف در صدد ممانعت از ادامه کاری و فعالیت‌های "انجمن معتادان گمنام" در این شهر بر آمده‌اند. و مانع از برپایی آزادانه و مستقل جلسات روتین این انجمن در برخی از نقاط مختلف شهر سنندج شده‌اند. این جلسات که روزانه و بطور مستقل در مکان‌های مختلفی برپا شده و در آن جمعیت‌گفتاری از معتادان و نیز اهالی شهر حضور دارند تأثیرات بسزایی در امر درمان و ترک اعتیاد میان افراد معتاد و مبتلایان به مواد مخدر در این شهر داشته و از محبوبیت و پشتیبانی مردمی برخوردار گشته است. همین امر ناخوشنودی و بهانه‌تراشی‌های ادارات و نهادهای وابسته به رژیم را علیه "انجمن معتادان گمنام" موجب شده است.

"انجمن معتادان گمنام" نهاد مستقلی است که از جمله در شهرهای "سنندج، سقز، دیواندره" و نیز بسیاری دیگر از شهرهای ایران در راستای کمک و یاری رساندن به معتادان و بازگرداندن سلامتی و تندرستی به آنان مشغول فعالیت می‌باشد.

کارگران و مردم آزادی‌خواه و شکل‌گیری فضای رادیکال کردستان به نیروی متشکل اجتماعی را تسهیل نمایم و از خودشان شود تا امکان مانور در این طریق مانع رسوخ سموم شرایط متفاوت سیاسی را داشته افکار و سیاست‌های احزاب باشد. ما کمونیست‌ها نیز مدام ناسیونالیست به درون طبقه و میکوشیم با روشنگری و تبلیغات مردم آزادیخواه کردستان شویم. جهت دار و رادیکال و با آگاه و راه سومی وجود ندارد. چرا که متشکل کردن طبقه کارگر، تلاش این بخشی از مبارزه طبقات و تبلیغات ناسیونالیسم کرد و اجتماعی است که از طریق فارس را خنثی نمایم و حافظه احزاب سیاسی در جریان است و مردم آزادیخواه را نسبت به کل ما کمونیست‌ها با شرکت در این تاریخ ضد انقلابی و سیاست‌های عرصه از مبارزه نیز تلاش ارتجاعی ناسیونالیسم و همچنین می‌کنیم مدام حافظه جامعه را همکاری و پادوی هایشان را در نسبت به اعمال طبقات دارا و هر دوره برای آمریکا و اخیرا احزاب مطبوعشان به روز کنیم ناتو جهت خون‌پاشیدن به جامعه و طرح‌های همه‌ای مرتجعین را زنده نگاه داریم. و تلاش آنها برای به انحراف کشاندن آزادی مردم کردستان نقش بر مبارزات آزادیخواهانه کارگران آب نمایم.

و مردم انقلابی، جهت دست شرط‌رهایی و آزادی مردم یافتن به سهم ناچیزی از خوان کردستان ایران خلاصی از یغمای ناشی از استعمار طبقه چنبره دولت جمهوری اسلامی و کارگر را، مداوما افشا نمایم. احزاب ناسیونالیست و گرد آمدن میکوشیم با دخالت فعال خود حول پرچم طبقه کارگر و پروسه متشکل شدن طبقه کارگر کمونیسم کارگری است.

کردستان اعلام کرده است. حزب دمکرات جناح مصطفی هجری مقاومت کشورهای را که هنوز ارتش آن بر ساختار سنتهای شوروی سابق استوار است، در خدمت ایستاده‌اند.

واقعیت این است حقه کردن سناریوی لیبی به جامعه ایران از طریق سارکوزی و بلر و آماده کردن ذهنیت جامعه جهت تکرار چنین سناریوی در ایران و تزییق آن توسط احزاب ناسیونالیست به جامعه کردستان خارج از دخالت نظامی ناتو نیز به اندازه کافی درد آور است و میتواند پروسه آگاهی و تشکل یابی کارگران و مردم فاقد سرمایه را به تاخیر بیندازد، مبارزه آزادیخواهانه مردم مبارز را به انحراف بکشاند و بر روند آن تأثیر منفی بگذارد و انتظار و انفعال جهت وقوع اتفاقاتی از این دست را حداقل برای دوره‌ای به ذهنیت مردم انتقال دهد. دیوار چین بین جامعه و افکار ناسیونالیستی وجود ندارد، طبقات دارا و نمایندگانشان در ایران و احزاب ناسیونالیست کرد به عنوان بخشی از آن مدام در تکاپوی یافتن راهی برای تسهیل بقدرت نزدیک شدن خود بویژه از طریق آماده نمودن افکار عمومی برای پذیرش و حمایت از دخالت امریکا و غرب و یا وقایعی نظیر آن هستند. چرا که اهدافشان تنها از این طریق قابل حصول و راه سهیم شدن خود را نیز در قدرت، در چنین حوادثی ممکن میدانند، نه در آگاهی و تشکل کارگران و یا مبارزات رادیکال اجتماعی، آگاهی و تشکل و رادکالیسم مبارزات اجتماعی مانع اساسی به کرسی نشاندن ایده و اهداف ارتجاعی این جریان‌هاست غیر مسئول و ممکن ترین راه جلوگیری از تکرار سناریوهای نظیر لیبی است و همچنین دامنه برد تبلیغی ناسیونالیسم فارس و کرد را بسیار محدود مینماید. ناسیونالیسم کرد دو دهه از تلاش نامیوم خود را به تزییق ایده‌هایی ارتجاعی و آماده کردن افکار مردم کردستان برای پذیرش سناریوی نظری عراق در صورت دخالت نظامی امریکا در ایران، اختصاص داده است و کوشیده مانع آگاهی و اتکای

را تحت تأثیر قرار دهد و به انحراف بکشاند و همچنین مقاومت کشورهای را که هنوز ارتش آن بر ساختار سنتهای شوروی سابق استوار است، در خدمت ایستاده‌اند.

هم شکنند و دولت و ارتش دست ساز خود را که در موارد لزوم بتواند اهداف غرب را بسادگی و مانند ارتش مصر برآورد نماید، سازمان دهد. تهدیدات سارکوزی و بلر بیشتر یک مانور سیاسی از طریق تهدید نظامی ایران بعد از پیروزی ناتو در لیبی است. و تنها میتواند حاوی پیام سیاسی خصمانه‌ای جهت گوش به زنگ کردن رژیم اسلامی باشد تا تدارک حمله هوای توسط ناتو. ولی کاری همیشه کرد احزاب ناسیونالیسم کرد با چرخش ارتجاعی اوضاع جهانی از دو دهه قبل و حمله اول امریکا به عراق که به جنگ خلیج مشهور است با ارتجاع جهانی همراه شدند و بعد از آن تاریخ نه فقط هیچ جای در تلاش تاریخی مردم کردستان برای رهایی از ستم ملی و تبعیضات اجتماعی ندارد، بلکه خود جزو مواعی هستند که باید از سر راه مردم و مبارزه حق طلبانه آنها کنار زده شوند. طی دو دهه گذشته احزاب ناسیونالیست آمادگی خود را برای هرنوع همکاری با امریکا و غرب در صورت حمله نظامی به ایران را اعلام کرده‌اند و در این موارد جهت دست یافتن به سهم ناچیزی از قدرت، ظرفیت شرکت در هر فجایی را از خود بروز داده‌اند. سیاست همکاری با امریکا و ناتو برای دخالت نظامی در ایران به سنت جا افتاده‌ای در میان احزاب ناسیونالیست کرد، جهت پذیرش و رسمیت یافتن بعنوان پادوهای محلی امریکا و غرب تبدیل شده است و هر یک تلاش میکنند در این رهگذر گوی سبقت را از رقیب برابند. مورد اخیر حزب دمکرات به رهبری خالد عزیزی به نمایندگی از جانب ناسیونالیسم کرد، دعوت از ناتو برای تکرار سناریوی لیبی در ایران را بعهدہ گرفته است و مقام نامزدی این شغل شریف را از آن خود کرده است. پژاک نیز آمادگی خود را برای نام نویسی در جهت خدمت به ناتو در هر چهار پارچه

امید ناسیونالیسم کرد به ناتو،

ضدیت با منافع مردم

بعد از پیروزی ناتو و کشورهای غربی در لیبی، بار دیگر بخشی از احزاب بورژوازی، اعم از ناسیونالیست و ملی-مذهبی و قوم پرست و چپ بورژوازی در ایران به تکرار "سناریوی لیبی" در ایران امید بسته اند. احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان ایران، پیشقدم و فعالتر از بقیه ظاهر شده و در این راستا تلاش خود را شروع کرده اند. حزب دمکرات کردستان (خاله عزیز) صریح تر از بقیه و به عنوان نماینده خود گمارده "کردهای چهار پارچه" سخن گفته و از شورای امنیت سازمان ملل می‌خواهد مشابه لیبی و بر اساس اصل "مسئولیت حمایت" به یاری مردم کرد بشتابند. حزب دمکرات کردستان ایران مصطفی هجری و سازمان زحمتکشان مهتدی سال قبل در لیست آماده باش اقدام نظامی آمریکا و غرب ثبت نام کرده اند. پژاک اعلام آمادگی کرده تا در هر چهار پارچه کردستان سربازجانباز "آزاد سازی کردستان" طبعاً زیر حمایت ناتو باشد. واضح است احزاب ناسیونالیست کرد منطقه، بخاطر رسیدن به اهداف طبقاتی خویش و شریک شدن در قدرت سیاسی از دو دهه قبل تا کنون شغل "پادویی" کردن برای غرب و آمریکا را بمثابة یکی از سیاست های جدی خود انتخاب کرده و در جهت پیشبرد آن از هیچ تلاش و کوششی فرو گذار نبوده اند. در نتیجه این سیاست، احزاب ناسیونالیست کردستان عراق به لشکر پیاده نظام ارتش آمریکا در عراق تبدیل شدند و به یمن و برکت آن به اهداف غیر قابل تصور خودشان رسیدند و بر اریکه قدرت تکیه زدند. با توجه به آن، هر انسان منصفی می داند که، که نتیجه دو دهه حاکمیت ناسیونالیسم کرد در کردستان عراق چیزی جز ادامه فقر و بیکاری و گرانی و ناامنی زندگی برای طبقه کارگر و بخش اعظم جامعه نبوده. سپس در نتیجه همین سیاست، کل جامعه عراق به کام یک سناریوی سیاه و جنگ و خونریزی کشیده شد. اکنون ناسیونالیستهای کردستان ایران با آرزوی تکرار چنین سناریو در ایران سر بر بالین گذاشته و برای رسیدن به آن روز شماری میکنند. اتخاذ چنین سیاستی، ضدیت کامل با منافع کارگر و مردم آزادیخواه در جامعه کردستان است. تلاشی ارتجاعی برای مقابله با اراده انقلابی و مبارزات مستقل مردم علیه جمهوری اسلامی و ارتجاع در کردستان است. و عملاً می‌خواهند سرنوشت مردم کردستان را به افت و خیز های سیاسی آمریکا و دول غرب در منطقه و به شکست و پیروزیهای آنها گره زنند. این احزاب در اوج بی مسئولیتی با خواست حمله نظامی به ایران و تکرار سناریوی لیبی همراهی میکنند. اگر اوضاع بر وفق مراد آنها پیش برود از هیچ تلاشی برای پیاده کردن سناریو سیاه در ایران دریغ نخواهند کرد. به همین خاطر جا دارد کارگران و مردم آزادیخواه ایران و کردستان از همین حالا چون صف آگاه و سازمانیافته در برابر این سیاست ضد کارگری و ضد انسانی و سناریو سیاهی بایستند و ماهیت بغایت ارتجاعی احزاب راست و ناسیونالیست را افشا نمایند و حربه ریاکاری و فریب و تحمیق آنها را بر ملا سازند.

کارگران، مردم آزادیخواه کردستان!

۱- بار ها گفته ایم که احزاب و جریانات ریز و درشت ناسیونالیست و قوم پرست در کردستان ایران، سر سوزنی به منافع شما ربطی ندارند. اینها، همواره به خواست "رفع ستم ملی" چون دستاویزی برای رسیدن به اهداف طبقاتی خود نگاه کرده اند تا از طریق آن، خودشان را به "نیابت" از طرف شما به بازار مکاره بورژوازی قالب کنند و بدینوسیله چون احزاب برادر در کردستان عراق در قدرت با حکومت مرکزی سهیم و شریک شوند.

۲- عواقب سیاسی درخواست اجرای الگوی لیبی در ایران، قبل از هر چیز یعنی امید بستن به نیروی "ناتو و کشورهای غربی". یعنی ایجاد توهم و عدم اتکا به اتحاد و مبارزه انقلابی خودمان. یعنی بهانه دادن به دست جمهوری اسلامی برای گسترش هر چه بیشتر فضای اختناق حاکم بر جامعه. یعنی تقویت رژیم جمهوری اسلامی و ماندگاری او بر اریکه قدرت. به لحاظ عملی حمله نظامی به ایران، یعنی تخریب تمام و کمال زیر ساخت های اقتصادی و اجتماعی ایران و به هم زدن شیرازه جامعه همانند امروز عراق و افغانستان. یعنی به میدان آمدن انواع دارودسته های مسلح و گردنه بگیر که زندگی را بر یک جامعه هفتاد میلیونی سیاه خواهند کرد. ضدیت آشکار و عریان این سیاست ناسیونالیستها با خواست و توقعات انقلابی و انسانی ما طبقه کارگر و مردم آزادیخواه کردستان واضح است.

۳- بار دیگر تاکید میکنیم که جمهوری اسلامی باید سرنگون شود. اما کنار زدن کل موجودیت رژیم جمهوری اسلامی از اریکه قدرت، کار احزاب و جریانات ناسیونالیستی، و قومی، مذهبی و عشیرتی و گانگستر های سیاسی نیست. متحقق ساختن تمام و کمال این امر، تنها از کانال بمیدان آمدن طبقه کارگر متحد و سازمانیافته و مردم آزادیخواه ایران و کردستان ممکن است.

۴- با توجه به نکات فوق و خطیر بودن مسئله، فراخوان ما به طبقه کارگر و صف مردم آزادیخواه اینست بیش از هر زمان باید آگاهانه و متحدانه و متشکل به میدان آمد. و در مقابل وسوسه های ضد مردمی کشورهای غربی و ناتو برای تکرار سناریوی مشابه لیبی ایستاد. در مقابل تلاش ارتجاعی جریانات ناسیونالیست که بخواهند مردم کردستان به نیروی ذخیره طرحهای جنگی ناتو و کشورهای غربی تبدیل کنند، باید ایستاد. کمیته کردستان حزب حکمتیست پرچم مبارزه ای قاطع برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و خنثی کردن پروژه های سناریو سیاهی جریانات ناسیونالیست برافراشته است. در این راستا طبقه کارگر و صف آزادیخواهی و برابری طلبی را به اتحاد و تشکل حول سیاستهای حزب حکمتیست و ایجاد و گسترش واحدهای گارد آزادی در هر شهر و محله در دفاع از جامعه و زندگی مردم فرا می خوانیم.

آیا این رسوایها را پایانی هست؟

مصطفی یونسی

ترکینن حباب اختلافات داخلی سازمان کومه له زحمتکشان (یکی از کومه له های فعلا موجود) در چند هفته گذشته و سر باز زدن اخراج و دو دستگی و پرت کردن اتهامات و اعتصاب غذا و ... باری دیگر نام کومه له، متاسفانه نه در دفاع از کارگر و زحمتکش و زنان و آزادی و در دشمنی جدی با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و ایستادگی قاطع در برابر حزب دمکرات و صف رنگارنگ مرتجعین، بلکه در قالب سازمانی که دبیر کلش به سبک اربابان و سران عشایر قدیم صاحب نام الاختیار است و حتی نان و زندگی فعالین صفوفش در گرو این است که چقدر خود مورد مرحمت و لطف سیاست روز و جیب سرانی مقتدرتر در منطقه قرار گرفته است، را بر سر زبانها آورده است.

روزگاری بود که نام کومه له لرزه بر اندام دشمنان کارگر و محرومان جامعه میانداخت و به صفوف مبارزین و انقلابیون امید و قوت قلب میبخشید. امروز، ولی، قبل از هر کسی سایتها و خبرگزاریهای جمهوری اسلامی با شغف و وجد از افتضاحات درونی اش میگویند. راستی چرا کومه له به این روز افتاد؟ چرا از "امید کارگر و زحمتکش" به مایه شرمساری هر انسان آزاده ای تبدیل شده است؟ و هزاران چرای درداور دیگر، که قبل و بیشتر از هر کسی بایستی مورد توجه و تفحص صف آزادی و برابری طلبی کارگران و کمونیستها باشد. آیا واقعا اینهمه از جان گذشتگی، قربانی دادن، زندان و شکنجه و بی حقوقیها، رشادت و جسارتها، سخنرانیها و در میان مردم بودن، سختیهای مبارزه بیوقفه و شبانه روزیها، جنگهای فراموش ناشدنی با نیروهای سرکوبگر رژیم و نیروهای حزب دمکرات، اشاعه افکار و عقاید آزادیخواهانه و انسانی و ... میبایست به چنین سرنوشت اسفباری منتهی شود؟ برای جنبش و سیاستی که افتضاحات هر روزه کومه له های

موجود تاثیرات و عواقب لا یتجزا و بخشی از کل همدستی و همسرنوشتی اش با سیاست تحمیل جنگ و ویرانی و بی حقوقی بورژوازی افسار گسیخته غرب و جناحهای تازه بقدرت رسیده بورژوازی منطقه ای و محلی بر عراق و کردستان است، برای جنبش و سیاستی که شرط موجودیت و میداننداری اش خاموش نگه داشتن کارگر و کل صدای حق طلبی ست، برای افق سیاسی ای که در سایه عدم حضور یک صف کمونیستی اجتماعی قوی در جامعه و در سایه حضور نیروی "دمکراسی" حامی بورژوازی محلی بیش از دو دهه است که با سوء استفاده از اتوریتیه سیاسی - اجتماعی کمونیزم و عدالتخواهی دوران گذشته سرگرم زندگی آرام در مجمع الجزایر کومه له است، برای افق سیاسی ای که امید دخالت مستقیم امریکا و کل غرب در اوضاع سیاسی ایران و امید استقبال توده ای (بخاطر حمل نام کومه له بر خود) برایشان به سربابی بی پایان تبدیل شد، توجیه و استدلال چندان سخت نبوده و نیست. اما مسئله برای کمونیزم و کارگر مهمتر و اساسی تر از اینهاست.

ایران بود، و زمانی خود از رهبران سرشناس و مورد احترامش هم بودند، پشت کردند بلکه به همدستی و همراهی با سیاستهایی که تا همین امروز غیر از حمام خون و جنگ و تکه پاره کردن جامعه بر مبنای قومگرایی و تعلقات مذهبی و عشایری و تحمیل شرایط مشقت بار تری بر زندگی مردم ارمنان دیگری نداشته، افتخار هم میکنند.

رژیم و افتضاحات کومه له

در طی چند سال گذشته، یکی از پایه های تبلیغی رژیم علیه کارگران و کمونیستها، استفاده رژیم از اختلافات و تکه پاره شدن صفوف کومه له و برملا شدن افتضاحات سیاسی - تشکیلاتی اش بوده است. سایتها و خبرگزاریهایش اخبار دست اول این منجلاب سیاسی را با شور و شغف پخش کرده اند. رژیم با اینکار خود میخواهد به کارگران و کمونیستها بگوید که عاقبت تلاششان برای رهایی، چیزی بیشتر از این نیست که کومه له امروز در آن غوطه میخورد. میخواهد نشان دهد که با از خود گشتگی و تلاش فراوان، با تلاش برای متشکل شدن و برای احقاق خود جنگین، با مبارزه مسلحانه علیه رژیم، با فعالیت کمونیستی، کارگران بیش از سرنوشت اسف بار کنونی کومه له چیز دیگری عایدشان نمیشود. میخواهد به کارگران بگوید مبارزه و تلاش بیپوده است، سر به جایی نمیبرد، عاقبتی خوشایند ندارد و

این هدف اصلی رژیم اسلامی سرمایه داران از انعکاس اخبار مربوط به اختلافات و مشکلات دوره چندسال گذشته کومه له هاست.

کارگران و کومه له ها

افتضاحات و الم شنگه های درونی هر چند ماه یکبار این کومه له ها برای طبقه کارگر و کل صف برابری طلبی درس و تجربه بسیار مهمی در بر دارد. کارگران و کمونیستها در کردستان بایستی بدانند که بدون حزب سیاسی کمونیستی، که بتواند دستاوردهای مبارزاتییشان را در جامعه تثبیت کند، بدون حزبی که مبنای سیاستهایش نه معاملات بر مبنای مصلحتهای اردوگاهداری و حفظ تشکیلات علنی و استفاده از شیارهای سیاسی موجود بین جناحهای رنگارنگ بورژوازی، بلکه متحد کردن صف مبارزاتی کارگران و نیروهای عدالتخواه در جامعه برای برخورداری از یک زندگی انسانی و برابر است، هرگونه تلاششان میتواند بر باد رفته و چه بسا با شرایط بمراتب سختتر نیز روبرو شوند. کارگران و جوانان آزادیخواه بایستی بدانند که گذشته کومه له هر چقدر تابناک و انقلابی بوده باشد، امروز مجمع الجزایر کومه له غیر از درجاذدن سیاسی و تبدیل شدن به نیروی تعیین تکلیف اختلافات و مصالح سیاسی درون خانوادگی ناسیونالیزم در کردستان چیز دیگری نیست. اگر رهبران کنونی کومه له ها، در دفاع از ناسیونالیزم و بفراموشی فعالیت کمونیستی در گذشته به کاسه داغتر از آش تبدیل شده اند، جنبش برابری خواهی و کمونیستی نیز راهی جز متحد و فعالتر کردن خود ندارد. کارگران کمونیست و آزادیخواه سنگر خود را دارند. حزب حکمتیست پرچم این جنبش است.

پیام و دعوت صمیمانه کمیته کردستان حزب حکمتیست (که اتفاقا اکثرشان از رهبران و سازندگان دوران گذشته فعالیت کمونیستی در کردستان هستند) برای پیوستن به صفوف این حزب جهت تقویت مبارزات آزادی و برابری طلبانه، گشودن راه برای هر انسان آزاده و حاکمیت شکنجه و اعدام و سرکوب و نه برای ناسیونالیزم در چنگال معاملات سیاسی منطقه ای گیر کرده خورد نمیکند.

گزیده ای از اخبار و رویدادهای کارگری و عمومی در کردستان

تهیه و تنظیم از اسماعیل ویسی

اخراج و بیکار سازی کارگران

- بنا بر گزارشهای رسیده از سنندج، 56 کارگران رسمی و قراردادی "کارخانه آجرپزی شیل" کارخانه آجر شیل در کیلومتر 5 جاده سنندج - کرمانشاه، اول مهر ماه 1390 از کار اخراج شدند. 40 نفر از این کارگران با قرارداد موقت و 16 نفر از آنان کارگر رسمی این کارخانه بودند. این کارگران از اول سال تاکنون فقط ماه در تیرماه دستمزد یکماه کار خود را گرفته اند. این کارخانه زیر نظارت استانداری کردستان قرار دارد. به همین دلیل کارگران اخراجی بارها به استانداری کردستان مراجعه کرده و نسبت به وضعیت خود اعتراض نموده اند. اما تاکنون هیچ اقدام مثبت و جواب قانع کننده ای به این کارگران داده نشده است. شکایت این کارگران به اداره کار سنندج نیز تا بحال نتیجه ای در بر نداشته است.

حوادث کاری در محل کار

- بنا بر گزارشهای رسیده از سنندج، روز یکشنبه "1/1 آبانه 90/ ساعت 30/11 ظهر" کارگر آسفالت کار رشید زند کریمی " حدود 52 ساله دارای همسر و فرزند در شهر سنندج در حین کار در منطقه فیض آباد، سه راهی شهرک بعثت در زیر غلطک آسفالت رفت و تا قبل از رسیدن به بیمارستان متأسفانه جانباخت. سوانح ناشی در محیط کار و عدم امکانات ایمنی کار هر روزه در مرکز کاری و تولیدی قربانی میگیرد. اما تاکنون وزارت کار و یا سایر نهادهای مسئول هیچگاه بطور سازمانیافته ای در صدد کاستن از سوانح ناشی از کار بر نیامده اند و اغلب خانواده های کارگران جان باخته پس از فوت نان آوران خود باید ماهها در راهروهای ادارت مسئول دوندگی کنند تا به ضایعه وارده شده بر آنان رسیدگی شود.

سقوط یک کارگر ساختمانی " 15 ساله " از طبقه سوم یک ساختمان در سنندج

- روز شنبه 23 مهر ماه 1390 " کیوان جعفری کارگر نوجوان ساختمانی 15 ساله " در حین کار از طبقه سوم ساختمانی در محله بردشت سنندج سقوط کرد و از ناحیه سر و صورت شدت مصدوم شد و یکی از پاهای وی از دو ناحیه دچار شکستگی گردید. همکاران این کارگر بلافاصله وی را به بیمارستان منتقل و همانجا وی را برای مداوا بستری کردند. این کارگر نوجوان همچون میلیونها کارگر ساختمانی در سراسر ایران از هیچگونه بیمه خدمات درمانی برخوردار نبود.

سقوط از ارتفاع در کار ساختمانی که اغلب به جان باختن کارگران و یا به وارد شدن صدمات جبران ناپذیر بر آنان منجر میشود ناشی از عدم وجود وسایل ایمنی کار توسط کارفرمایان است با این حال زمانی که کارگران ساختمانی دچار سوانح ناشی از کار میشوند کارفرمایان در این زمینه مسئولیتی بعهده نمی گیرند. این رشته از کار از سخت ترین و پر مخاطره ترین کارها میباشد و از سانحه خیزترین محل های کار در ایران میباشد.

پایان مشروط اعتصاب کارگران "مجمع کشت و صنعت" شهر مهاباد

بنا به خبر رسیده از مهاباد، کارگران مجمع کشتارگاه "کشت و صنعت" مهاباد که از 17 مهرماه 1390 در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه و مزایای خود دست به اعتصاب زده بودند، در روز دوشنبه 18 مهرماه بعد از آنکه کارگزاران رژیم به آنان وعده دادند که در روز چهارشنبه هفته جاری کلیه دستمزدهای معوقه و مزایای آنان را پرداخت خواهند کرد، به اعتصاب خود پایان داده و بسر کارهای خود بازگشتند. و اعلام کردند اگر روز چهارشنبه دستمزدهای معوقه و مزایای آنان پرداخت نگردد دوباره دست به اعتصاب خواهند زد. در ادامه

گزارش آمده است که، روز چهارشنبه 20 مهرماه هیئت مشترک از سوی فرمانداری و نیروهای انتظامی رژیم در شهر مهاباد در مذاکره و جلسه ای رسمی با کارگران کشتارگاه کشت و صنعت، به آنان تعهد داده اند، در اسرع وقت به خواست کارگران مبنی بر پرداخت مزایا و دستمزدهای معوقه آنان اقدام نمایند. پس از اخذ این تعهد کارگران برسر کارهای خود حاضر شدند. کارگران مصمم هستند در صورت عدم پرداخت دستمزدهای معوقه شان در اسرع وقت، تا رسیدن به مطالبات بر حق خود، مجدداً دست به اعتصاب خواهند زد.

گزارشی تلخیصی از وضعیت کاری کارگران "پارک بان" شهرداری شهرستان کامیاران کارگران "پارک بان" در شهرستان کامیاران " برای یک شرکت پیمان کاری - که کار را از شهرداری به صورت قراردادی گرفته است - کار می کنند. شرایط کاری این کارگران به صورتی است که روزانه باید از ساعت 7 صبح سر کار حضور داشته و تا ساعت 18 غروب کار کنند! به این ترتیب روزانه 12 ساعت کار می کنند و از اضافه کاری هم خبری نیست!

گزارش فعال کارگری "سلام قادری" از زنان - به گزارش کمیته هماهنگی، "سلام قادری" فعال کارگری و از فعالان عرصه تئاتر اجتماعی، روز دوشنبه 24 مهرماه 1390 پس از اتمام دوره محکومیت خود، از زندان آزاد شده است.

تداوم زندان و بازداشت

- بنا به خبر رسیده از مریوان، "عثمان گلاویژی، اقبال ایزدی، شاهر احمدی، ناصر گلاویژی و محمد صالحی" از ساکنین روستای "گویزه کوپره" توابع مریوان اواسط مردادماه 1390 و همچنین "آرام رستاد، کاوه مرادی و کاوه فرجی" در شهر مریوان نیز، نزدیک به 40 روز قبل توسط ماموران امنیتی رژیم بازداشت شده اند، بازداشت شده اند. تلاش های اعضای خانواده این افراد جهت اطلاع از وضعیت و محل نگهداری آنان تاکنون بی نتیجه مانده است.

- بنا به خبر رسیده از شهر کامیاران، "کیانوش ویسی و کیهان گل محمدی" توسط ماموران امنیتی رژیم به بازداشت و به بازداشتگاه اداره اطلاعات شهر منتقل کرمانشاه منتقل شدند. پس از بازداشت این دونفر، اعضای خانواده شان جهت اطلاع از وضعیت نشان به دستگاه های امنیتی رژیم مراجعه کرده اند. تا زمان تنظیم این خبر اطلاعی از محل نگهداری و اتهامات مطرح شده علیه این افراد بدست نیامده است.

بدون هیچ مانعی بقیه برص

سناریوی لیبی، ناتو و ناسیونالیسم کرد

رحمان حسین زاده

میزان الحراره امید و ناامیدیهای احزاب و جریانات بورژوا ناسیونالیست کرد را موفقیتها و یا ناکامیهای آمریکا و پنتاگون و دول غربی و ناتو در لشکرکشیهای نظامی به کشورهای مختلف نشان میدهد. از جمله در دو دهه اخیر جنگ و دخالت نظامی آمریکا و غرب در عراق، بالکان، افغانستان و اکنون لیبی مصداق روشن این پدیده است. در پیروزی و یا شکست نظامی دول فحیمه شریکند. در عراق به لشکر پیاده نظام ارتش آمریکا تبدیل شده و البته در سایه آن به قدرت رسیدند. ناسیونالیستها در کردستان ایران هم بیش از دو دهه است با آرزوی تکرار این سناریو سر بر بالین میگذارند. آنگاه که آمریکا و ناتو در با تلاق عراق و افغانستان گیر افتادند، امیدهای اینها هم بر باد رفت و امروز با پیروزی ناتو در لیبی دوباره فیلشان یاد هندوستان کرده و امیدوار شده اند.

فرانسه و انگلیس و ناتوی پیروز و سوسه شده اند، که الگوی لیبی را در کشورهای دیگری به اجرا درآورند. پوشه و پرونده ها را جلو کشیده و دنبال تعیین کاندید یا کاندیداهای بعدی هستند. در این میان نام سوریه و ایران بیشتر به گوش میخورد. در مطلبی هفته قبل نوشتیم "تا آنجا که به ایران مربوط است. سارکوزی لحن تهدید علیه ایران را انتخاب کرده، بهانه پرونده هسته ای توسط غرب دوباره روی میز قرار گرفته و تونی بلر جانی و طراح در جنگ عراق و افغانستان یکپو به یاد آورده، که "ایران خطرناکتر" است. صرف نظر از اینکه در کشور ایران با موقعیت ژئوپولوتیکی بسیار متفاوت از لیبی چه اندازه تکرار چنین پروژه سیاه و ارتجاعی

ممکن باشد یا نه؟ که جای تردید جدی دارد، همین اندک اشاره سران غربی، تا این لحظه احساسات و سمپاتی ارتجاعی بخشی از اپوزیسیون راست و چپ بورژوایی ایران را به همراه داشته است. برخی از ناسیونالیستهای ایرانی و کرد، فدرالیست چی ها و قوم گراهای سناریو سیاهی همیشه آماده باش در خدمت پادویی ناتو و پنتاگون بی ابهام دوباره به صف شده اند. از میان جنبش سبزیها این ندا شنیده میشود "دخالت نظامی و چنین اقدامی تحت ضوابط و چارچوب مشخص و محدود میتواند مفید باشد". چپ بورژوایی امثال حزب کمونیست کارگری ایران هم از عملیتهای ناتو در خدمت "انقلاب" استقبال کرده است.

باید منتظر بود، چه توجیهات ضد مردمی دیگری در دفاع از "دخالت ناتو" در ایران از جانب ارتجاع بورژوایی اپوزیسیون بیرون میزند. در این میان جریانات ناسیونالیست کرد اعم از احزاب اجتماعی آن تا داروخته های گانگستر و بی ریشه و سناریو سیاهی، به امید "پروژه پرواز ممنوعه ناتو بر فراز ایران" بی ابهام خواستار اجرای سناریوی لیبی در ایران هستند.

حزب دمکرات کردستان با مسئولیت خالد عزیزی این بار زودتر و صریحتر از بقیه و به عنوان نماینده خود گمارده "کردهای چهار پارچه" حرف دل همه شان را بر زبان آورده و از شورای امنیت سازمان ملل میخواهد مشابه لیبی و بر اساس اصل "مسئولیت حمایت" به یاری مردم کرد بشتابند.

حزب دمکرات کردستان ایران مصطفی هجری و سازمان زحمتکشان مهتدی چند سال قبل در لیست آماده باش اقدام نظامی آمریکا و غرب ثبت نام کرده اند. پژاک اعلام آمادگی کرده نه تنها

بمباران جنگنده های ناتو "کردستان" را "آزاد" کنند و منطقه پایگاهی برای "دولت در تبعید و شورای انتقالی احتمالی" متشکل از اپوزیسیون ارتجاعی درست کنند. برای شریک شدن در قدرت و به عهده گرفتن اداره امور در کردستان حاضرند به سیاهی لشکر هر نقشه ارتجاعی علیه جامعه و مردم تبدیل شوند. نقش مخرب آنها را باید جدی گرفت. در مقابل آنها کمونیستها و جنبش آزادیخواهی در کردستان باید جنبش خودآگاه و متحد و متشکل طبقه کارگر و مردم معترض را به میدان بکشند. قدم به قدم با پروژه های سیاه و ضد مردمی این جریانات مقابله کنند. اراده مردم را برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تامین آزادی و برابری احیا و سازمان دهند. مانع تبدیل کردستان به پایگاه ارتجاع و بر

عکس همانند دوران انقلاب ۵۷ و سالهای بعد آن جامعه کردستان را به پایگاه انقلاب و آزادیخواهی تبدیل کنند. قدرت کمونیسم و پیشینه، سابقه و تجربه کمونیستها و پتانسیل بالای صف آزادیخواهی و برابری طلبی موجود در جامعه کردستان باید سازمانیافته و درهم تنیده باشد. آماده نبرد با کل ارتجاع سازمان یابد. رهبران کمونیست شناخته شده این جامعه و کمونیستهای متشکل در حزب حکمتیست و تشکیلات کردستان آن در این راستا وظیفه سنگین و تعیین کننده بر عهده دارند.

بسیج افکار عمومی علیه وعده سناریوی لیبی و امید به دخالت ناتو، مقابله قاطع با جریانات ناسیونالیستی و نقشه های شوم آنها و تشدید مبارزه علیه جمهوری اسلامی، به هم بافتن پتانسیل جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در کردستان علیه

وضع موجود و نقشه های همه جریانات ارتجاعی، متکی کردن مردم به نیروی دفاع از خود گارد آزادی و گسترش آن در هر شهر و محله ای از محورهای تعیین کننده سیاست فعال در برخورد به وضعیت جدید است.

مخاطرات سناریوی لیبی جدی است

سناریوی لیبی محدود به بعد نظامی مسئله نیست. از فضا سازی سیاسی و آماده سازی افکار عمومی تا مرحله اقدامات نظامی، پروژه ای ضد انسانی و مخربی است که علیه منافع مردم جاری میشود. مخاطرات سیاسی این پروژه در سطح جهانی، منطقه و مشخصا ایران به همت مدیای نوکر و اپوزیسیون دلبسته به آن شروع شده است. ک

نترل خیزش و اعتراض بر حق و توده ای مردم و کانالیزه کردن آن در جهت به قدرت رساندن ارتجاع دیگری در لیبی، تخریب زیر ساختهای اقتصادی و به هم زدن شیرازه آن جامعه و رها شدن آن در میان جدالهای قومی و قبیله ای و آینده تاریک به عنوان "الگوی موفق ناتوی نجات بخش" به مردم جهان و به مردم ایران هم حقه می شود. اپوزیسیون بورژوایی و جریانات ارتجاعی در ایران امید به سناریوی سیاه ناتو و غرب را مستمرا در جامعه تزریق میکنند. در تقابل با به میدان آمدن اراده آگاهانه و سازمانیافته طبقه کارگر و مردم برای جارو کردن بساط حاکمیت بورژوایی و جنایتکارانه جمهوری اسلامی سیاست انتظار و بی اراده کردن جامعه و مردم تبلیغ میشود. این مخاطرات را از هم اکنون باید جدی گرفت و خنثی کرد.

ضرورت تقابل جدی با پروژه

سیاه ناسیونالیسم کرد

جریانات ناسیونالیست کرد بخش موثر و فعاله زمینه سازی برای اجرای سناریوی لیبی در ایران هستند. آماده اند تحت پوشش

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!